

«فین کیدلند» و «ادوارد پرسکات» برندگان جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۴

دکتر ابوالفضل شهرآبادی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد زنجان)
www.shahrabadi.ir

ندا بشیری (ناظر معاملات بورس استان قزوین)
neda.bashiri.googlepages.com

در سال ۱۹۶۲ در رشته ریاضی از کالج «اسوارتمور» لیسانس گرفت و در سال ۱۹۶۳ فوق لیسانس و در سال ۱۹۶۷ دکترایش را از دانشگاه «کارنیجی ملون» گرفت و با اخذ مدرک دکترا در سال ۱۹۶۷ از دانشگاه «کارنیجی ملون پیتسبورگ»، به عنوان استاد دانشگاه در دانشگاه ایالت آریزونا، آمریکا و محقق بانک مرکزی ماینپولیس آمریکا مشغول به کار شد. وی در شورای بانک مرکزی آمریکا در ایالت مینه سوتا نیز عضویت دارد.

حوزه اصلی تدریس او چرخه تجاری، پولی سیاست‌های مالی و اقتصاد کار است. او در سال ۱۹۷۷ به عنوان استاد در دانشگاه «کارنیجی ملون» مشغول به کار شد و تا اول جولای ۲۰۰۴ در آنجا بود. سپس به دانشگاه کالیفرنیا رفت. او همچنین به عنوان پرفسور در مدرسه عالی نروژ و در فدرال رزرو حضور دارد. «ادوارد پرسکات» Edward C. Prescott نیز در ماه دسامبر سال ۱۹۴۰ در آمریکا در «گلن فالس» نیویورک به دنیا آمد،

جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۰۴ به خاطر تحقیقات انجام شده در خصوص اقتصاد کلان پویا، سازگاری زمانی سیاست‌های اقتصادی به دو نفر اقتصاد دان نروژی و آمریکایی تبار اهدا شد. «فین کیدلند» و «ادوارد پرسکات» در روشی مبدعانه، طرح سیاست‌های اقتصادی و نیروهای پشت سر چرخه های اقتصادی را تحلیل کرده اند. جایزه نقدی ۳/۱ میلیون دلار ری آکادمی علمی رویال سوئد (نوبل)، میان این دو دانشمند تقسیم خواهد شد. تا سال ۲۰۰۴، پروفیسور کیدلند، سومین دانشمند نروژی و پروفیسور پرسکات، پنجمین دانشمند آمریکایی هستند که مفتخر به دریافت جایزه نوبل اقتصادی می شوند.

کار آن‌ها نه تنها تحقیقات اقتصادی را متحول ساخته، بلکه به طور عمیقی سیاست‌های اقتصادی - مخصوصا سیاست‌های پولی - را تحت تاثیر قرار داده است. تحقیقات افراد برنده جایزه همچنین نظریه چرخه تجاری را به وسیله کامل کردن آن با نظریه رشد اقتصادی متحول کرده است.

زندگی «فین کیدلند» و «ادوارد پرسکات» «فین کیدلند» Finn E. Kydland که در سال ۱۹۴۳ در نروژ به دنیا آمد بزرگترین فرزند در میان ۳ فرزند دیگر بود. در خانه آن‌ها محدودیت خاصی برای کودکان قائل نمی شدند. علاقه فین به ریاضی و اقتصاد از دوران نوجوانی آغاز شد. او در سال ۱۹۶۸ از مدرسه عالی اقتصاد نروژ لیسانس و در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه «کارنیجی ملون» پیتسبرگ دکترا گرفت.

زندگی «فین کیدلند» و «ادوارد پرسکات» «فین کیدلند» Finn E. Kydland که در سال ۱۹۴۳ در نروژ به دنیا آمد بزرگترین فرزند در میان ۳ فرزند دیگر بود. در خانه آن‌ها محدودیت خاصی برای کودکان قائل نمی شدند. علاقه فین به ریاضی و اقتصاد از دوران نوجوانی آغاز شد. او در سال ۱۹۶۸ از مدرسه عالی اقتصاد نروژ لیسانس و در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه «کارنیجی ملون» پیتسبرگ دکترا گرفت.

زندگی «فین کیدلند» و «ادوارد پرسکات» «فین کیدلند» Finn E. Kydland که در سال ۱۹۴۳ در نروژ به دنیا آمد بزرگترین فرزند در میان ۳ فرزند دیگر بود. در خانه آن‌ها محدودیت خاصی برای کودکان قائل نمی شدند. علاقه فین به ریاضی و اقتصاد از دوران نوجوانی آغاز شد. او در سال ۱۹۶۸ از مدرسه عالی اقتصاد نروژ لیسانس و در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه «کارنیجی ملون» پیتسبرگ دکترا گرفت.





دارد؛ «کیدلند و پرسکات» بر این نکته تاکید کردند که این شوک ها اثرات به مراتب شدیدتری برطرف عرضه خواهد گذاشت. در مدل چرخه تجاری آن‌ها نوسانات واقعی در نرخ توسعه فناوری، تغییرات همکانسی را در GDP، مصرف، سرمایه گذاری ایجاد می کند. مدل چرخه های تجاری قبلی، به طور نمونه مبتنی بر یک رابطه تاریخی متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان بودند اما این مدل جدید از ۱۹۶۰ شروع به شکستن این چارچوب ها کرد. چراکه در حوال و حوش دهه ۱۹۷۰، با شوک قیمت نفتی که ایجاد شد، شاهد تورم بالا و بیکاری همزمان و متقارن بودیم، در حالی که کلاسیک ها همیشه تاکید می کردند که مثلاً هرگاه تورم را بالا ببریم، نرخ بیکاری کاهش می یابد.

مدل گسترده این دو نفر ضمن اعتبار به تمام متغیرهای کلان، به این نکته نیز توجه کرده است که بخش بزرگی از اوضاع اقتصادی که مواجه با آن هستیم پیامد تصمیمات افراد، سیاست گذاران، خانوارها، و شرکت ها در مورد مصرف سرمایه گذاری، عرضه نیروی انسانی و... است که پیش از این زمان به اخذ این تصمیمات دست زده اند.

روش های «کیدلند و پرسکات» تا حد زیادی با اقتصاد کلان مدرن سازگار شده است.

هیات داوری جایزه نوبل، نظریه بحث برانگیز این دو نفر در مورد جریان ها و سیاست های اقتصادی را مورد تحسین قرار داده و علت اصلی اعطای جایزه را هم همین نظریه ذکر کرده است. در قالب فعالیت های این دو نفر به موضوعاتی مانند لزوم استقلال بانک های مرکزی و دلایل آن پرداخته شده است. آن‌ها برخی نظریه های رایج در اقتصاد را نیز زیر سوال می برند.

تا دهه هفتاد اقتصاد دان معتقد بودند که با افزایش تورم می توان بیکاری را کاهش داد. استدلال آن‌ها نیز چنین بود؛ وقتی قیمت اجناس و سایر هزینه های زندگی مردم سریع تر از حقوق ها و دستمزد ها رشد کند، «ارزش واقعی حقوق و دستمزد ها» پائین می آید. به عبارت دیگر

داشتند این بود که مالیات بالاتر برای خانواده، پس انداز کم تر در آینده را مورد انتظار می سازد، سیاست های پولی متمایل به توسعه (انبساطی) و انتظارات تورمی بالاتر، قیمت های بالاتر و در نهایت انتظار دستمزدهای بالایی را به ارمغان می آورد و این اثرات می تواند انتظاراتی را در مورد سیاست های اقتصادی آینده به وجود آورد که باعث باب شدن مشکلاتی در ثبات زمانی آن‌ها با هم باشد.

البته آنچه که «کیدلند و پرسکات» مطرح کرده اند درست در زمانی که آن‌ها جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرده اند، بیش از هر زمان دیگری مورد تردید قرار گرفته است. طی سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ اقتصاد آمریکا بسیاری از قواعد اقتصادی را نادرست نشان داد مثلاً طی این سال ها کنگره برنامه هایی را برای کاهش مالیات ها تصویب کرد تا بلکه اقتصاد به حرکت واداشته شود اما نتایج مطلوب و مورد انتظار بدست نیامد.

«فین کیدلند» و «ادوارد پرسکات» نظریه جدیدی در خصوص چرخه های تجاری و سیاست اقتصادی معرفی کردند و با این کار در تحلیل های کلان اقتصادی نقش موثری ایفا کرده و برای سیاست های پولی و مالی در کشورها راهکارهای جدید ارائه کردند.

کارفرمایان هزینه واقعی کم تری برای پرداخت حقوق ها متحمل می شوند. بدین ترتیب شرکت ها و کارفرمایان می توانند افراد بیش تری را با همان هزینه های سابق استخدام کنند. در نهایت نیز این امر به کاهش بیکاری می انجامد. «کیدلند و پرسکات» این مساله را زیر سوال بردند.

از دیگر مواردی که این دو بر آن تاکید